

گفت‌وگوی
روزنامه صبا با
سه کارگردان بسته
فیلم‌های کوتاه
سیمرغ

سینمای کوتاه در جستجوی انسان

بخشی از آن از دل فیلمنامه می‌آید و بخشی دیگر در فرآیند تولید کامل شد. وقتی درباره یک موضوع حساس اجتماعی فیلم می‌سازید، ناچارید زبان مناسبی برای بیان آن پیدا کنید. من نمی‌خواستم تصویری کلیشه‌ای از جامعه یا خانواده ایرانی ارائه دهم و از طرف دیگر نمی‌خواستم از واقعیت فاصله بگیرم. در مرحله اجرا هم حضور گروه حرفه‌ای فیلم، از آرمان فیاض در فیلمبرداری گرفته تا بازیگران و دیگر عوامل، کمک کرد تا این فضای استعاری شکل کامل‌تری پیدا کند. این استعاره‌ها برای پیچیده کردن فیلم نبود؛ برای نزدیک‌تر شدن به حقیقتی بود که می‌خواستم روایت کنم.

○ فیلم از قضاوت مستقیم شخصیت‌ها پرهیز می‌کند. آیا این رویکرد ناشی از نگاه شما به انسان است یا تلاشی برای فرار از سینمای پیام‌محور؟

بیشتر به نگاه من به انسان برمی‌گردد. واقعاً معتقدم ما در جایگاهی نیستیم که به‌سادگی درباره دیگران قضاوت کنیم. آدم‌ها در موقعیت‌های مختلف رفتارهای متفاوتی دارند و نمی‌شود همه چیز را با یک حکم قطعی توضیح داد. برای مثال پدر فیلم ممکن است از نگاه امروز رفتارهای اشتباهی داشته باشد، اما من نمی‌خواستم او را صرفاً یک شخصیت منفی نشان بدهم. او فرزندش را دوست دارد و تصور می‌کند راهی که انتخاب کرده به نفع اوست. همین پیچیدگی‌های انسانی برای من مهم بود و سعی کردم آنها را حفظ کنم.

○ در بسیاری از فیلم‌های کوتاه ایرانی، پایان بندی نقش ضربه نهایی را دارد، اما «دایر» بیشتر بر امتداد یافتن یک وضعیت تکیه می‌کند. این انتخاب چقدر آگاهانه بود؟

کاملاً آگاهانه. در سینمای کوتاه نوعی روایت مبتنی بر غافلگیری و چرخش پایانی وجود دارد که می‌تواند جذاب باشد، اما همه فیلم‌ها الزماً نباید بر آن الگو استوار باشند. در «دایر» از همان میانه مسیر، مخاطب کم‌وبیش متوجه می‌شود چه اتفاقی در حال رخ دادن است. مسئله برای من پنهان کردن حقیقت نبود؛ مسئله این بود که مخاطب خودش را در موقعیت شخصیت‌ها قرار دهد. فیلم بیشتر از آنکه بخواهد شوک ایجاد کند، می‌خواهد پرسشی را پیش روی تماشاگر بگذارد.

○ ریتم «دایر» برخلاف بسیاری از فیلم‌های کوتاه جشنواره‌ای، شتاب‌زده نیست. نگران نبودید که این مکتب‌بخشی از مخاطبان را از فیلم دور کند؟

من اساساً به تقسیم‌بندی ریتم‌ها و تند تند تقدیر ندارم. ریتم با متناسب با جهان فیلم است یا نیست. در «دایر» فضای تهیایی، فاصله و سکوت اهمیت داشت و این حس‌ها بدون مکتب‌تأمل منتقل نمی‌شد. بخش مهمی از این اتفاق هم حاصل همکاری با عماد خدابخش در مرحله تدوین بود. فکر می‌کنم ریتم نهایی فیلم با جهان داستان و شخصیت‌هایش تناسب دارد و همین برای من مهم بود.

○ برخی معتقدند بخشی از فیلم کوتاه ایران به سمت تولید آثاری رفته که بیش از مخاطب، جشنواره‌ها را هدف قرار می‌دهند. «دایر» را در این معادله کجا قرار می‌دهید؟

واقعیت این است که فیلم کوتاه در ایران از ابتدا با جشنواره تعریف شده است. برخلاف سینمای بلند، هیچ چرخه اقتصادی مشخصی برای آن وجود ندارد. طبیعی است که فیلمساز برای دیده شدن به جشنواره‌ها فکر کند. من این مسئله را الزماً منفی نمی‌بینم. جشنواره‌ها مهم‌ترین محل نمایش و گفت‌وگو درباره فیلم کوتاه هستند. مشکل از جایی آغاز می‌شود که همه چیز فقط به جشنواره محدود شود و مسیر دیگری برای ارتباط با مخاطب وجود نداشته باشد.

○ آیا اساساً می‌توان از «سینمای کوتاه مستقل از جشنواره» در ایران صحبت کرد؟

در شرایط فعلی نه چندان. وقتی اکران عمومی وجود ندارد و تلویزیون هم نقش مؤثری در نمایش آثار ایفا نمی‌کند، جشنواره‌ها عملاً تنها مسیر دیده شدن هستند. به همین دلیل همیشه گفته‌ام فیلم کوتاهی که به جشنواره راه پیدا نکند، بسیار سخت دیده می‌شود. البته این به معنای ایده‌آل بودن وضعیت موجود نیست. اتفاقاً معتقدم ما به بسترهای بیشتری برای نمایش آثار نیاز داریم.

○ برخی منتقدان معتقدند سینمای کوتاه ایران در سال‌های اخیر بیش از حد به فضای تلخ و بحران‌زده گرایش پیدا کرده است. شما این نقد را وارد می‌دانید؟

بخشی از این موضوع به شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه برمی‌گردد. فیلم کوتاه همیشه نوعی آینه زمانه خود بوده است. وقتی جامعه با مسائل و بحران‌های مختلف مواجه است، طبیعی است که بخشی از این دغدغه‌ها وارد آثار فیلمسازان شود. البته این به معنای ناامیدی نیست. من شخصاً معتقدم ناامیدی سم است، اما فیلم کوتاه وظیفه دارد مسائل جامعه را بازتاب دهد. اگر امروز فیلم‌های زیادی به سمت موضوعات تلخ رفته‌اند، باید دید چه واقعیت‌هایی پشت این انتخاب‌ها وجود دارد.

○ سیمرغ بلورین چه تغییری در سرنوشت واقعی یک فیلم

همزمان با اکران آنلاین بسته فیلم‌های کوتاه سیمرغ در پلتفرم هاشور، با سه فیلمساز برنده سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر گفت‌وگو کرده‌ایم؛ فیلمسازانی که هر کدام از زاویه‌های متفاوت به دغدغه‌های انسانی نزدیک شده‌اند. سعید نجاتی در «دایر» به سراغ ناگفته‌ها و ترس‌های پنهان رفته، محمد ثریا در «برنو» نسبت میان سنت، هویت و سرنوشت را به تصویر کشیده و محمدعلیزاده فرد در «شریف» مرگ‌آگاهی و مواجهه انسان با امر ناشناخته را روایت کرده است. گفت‌وگوهایی که فراتر از خود آثار، تصویری از وضعیت امروز سینمای کوتاه ایران و چالش‌های تولید، نمایش و ارتباط با مخاطب را نیز پیش روی ما قرار می‌دهد.

معصومه دهقان

گزارش



سعید نجاتی، کارگردان فیلم «دایر»:

چرخه پایداری برای نمایش فیلم کوتاه وجود ندارد

سعید نجاتی، کارگردان فیلم کوتاه «دایر» که پیش‌تر موفق به کسب سیمرغ بلورین بهترین فیلم کوتاه جشنواره فیلم فجر شده، معتقد است سینمای کوتاه ایران همچنان برای دیده‌شدن به جشنواره‌ها وابسته است و هنوز چرخه‌ای پایدار برای نمایش و بازگشت سرمایه در این حوزه شکل نگرفته است.

○ «دایر» از آن دسته فیلم‌هایی است که بخش مهمی از معنایش در ناگفته‌ها شکل می‌گیرد. چقدر آگاهانه تصمیم گرفتید اطلاعات روایی را از مخاطب دریغ کنید و به ابهام به‌عنوان یک ابزار دراماتیک تکیه داشته باشید؟

قبل از هر چیز باید بگویم از طرح این پرسش‌ها خوشحال شدم. چون سوال‌ها از دل خود اثر بیرون آمده‌اند. درباره «دایر» باید بگویم که اساساً موضوع فیلم درباره یکی از مسائل کمتر گفته‌شده در جامعه است؛ موضوعی که با وجود درگیر بودن بخش بزرگی از جامعه با آن، هنوز بیان مستقیمش با حساسیت‌هایی همراه است. از همان زمان نگارش فیلمنامه می‌دانستم که باید مرز ظریفی میان گفتن و نگفتن را رعایت کنم. به اعتقاد من فرم و محتوا از هم جدا نیستند. زمانی که ایده در ذهن شکل می‌گیرد، فرم هم همزمان با آن متولد می‌شود. بنابراین این ابهام و استفاده از نشانه‌ها از ابتدا در دل روایت وجود داشت. تلاش کردم به جای بیان مستقیم، مخاطب را در کشف معنا شریک کنم؛ هم برای آنکه اثر به دام شعارزدگی نیفتد و هم برای آنکه مخاطب فعالانه با فیلم همراه شود.

○ در «دایر» مرز میان واقع‌گرایی اجتماعی و نوعی فضای استعاری مدام جابه‌جا می‌شود. این تعلق میان واقعیت و استعاره از ابتدا در فیلمنامه وجود داشت یا در اجرا پررنگ‌تر شد؟

